

# نظریه‌ای در باب عدالت

بر اساس آخرین ویراست

جان رالز

ترجمه‌ی مرتضی نوری



نشر مرکز

## فهرست

۱	مقدمه‌ی مترجم
۱	۱. کودکی و نوجوانی: بی‌عدالتی در درونِ مرزها
۳	۲. دورانِ کالج و سربازی: بی‌عدالتی در بیرونِ مرزها
۴	۳. تحصیلاتِ تکمیلی و استادی: مقابله با بی‌عدالتی در درون و بیرونِ مرزها
۷	۴. نظریه‌ای در بابِ عدالت: طرحی برای عدالت در درونِ مرزها
۱۶	۵. لیبرالیسمِ سیاسی: خود-بنیادی برداشتِ سیاسی از عدالت
۲۰	۶. قانونِ ملل: طرحی برای عدالت بیرون از مرزها
۲۳	نکاتی چند درباره‌ی معادل‌های کتاب
۲۷	منابع
۲۸	دیباچه‌ی ویراستِ بازنگری شده
۳۴	دیباچه
۴۱	بخشِ اول: نظریه
۴۳	فصلِ یکم: عدالت به مثابه‌ی انصاف
۴۳	۱. نقش عدالت
۴۷	۲. موضوعِ عدالت
۵۱	۳. ایده‌ی اصلی نظریه‌ی عدالت
۵۶	۴. وضعیتِ آغازین و توجیه
۶۰	۵. فایده‌گراییِ کلاسیک
۶۵	۶. چند تقابل مرتبط

۷۰	۷. شهودگرایی
۷۶	۸. مسئله‌ی تقدم
۸۰	۹. اشاراتی چند در باب نظریه‌ی اخلاقی
۸۷	<b>فصل دوم: اصول عدالت</b>
۸۷	۱۰. نهادها و عدالت‌ صوری
۹۳	۱۱. دو اصل عدالت
۹۷	۱۲. تفسیرهای اصل دوم
۱۰۶	۱۳. برابری دموکراتیک و اصل تفاوت
۱۱۴	۱۴. برابری منصفانه‌ی فرصت‌ها و عدالت‌ رویه‌ای محض
۱۲۰	۱۵. خیرهای اولیه‌ی اجتماعی: مبنای ارزیابی سطح امیدها
۱۲۴	۱۶. موقعیت‌های اجتماعی عمده
۱۲۹	۱۷. گرایش به برابری
۱۳۷	۱۸. اصول مربوط به افراد: اصل انصاف
۱۴۲	۱۹. اصول مربوط به افراد: تکالیف طبیعی
۱۴۶	<b>فصل سوم: وضعیت آغازین</b>
۱۴۶	۲۰. ماهیت استدلالی که در اثبات برداشت‌های [گونگون از] عدالت اقامه می‌شود
۱۵۰	۲۱. معرفی گزینه‌ها
۱۵۴	۲۲. شرایط بسترساز عدالت
۱۵۷	۲۳. محدودیت‌های صوری مفهوم حق
۱۶۲	۲۴. پرده‌ی بی‌خبری
۱۶۸	۲۵. عقلانیت طرف‌ها [ای قرارداد]
۱۷۵	۲۶. استدلالی که به دو اصل عدالت می‌انجامد
۱۸۵	۲۷. استدلالی که به اصل فایده‌ی میانگین می‌انجامد
۱۹۲	۲۸. مشکلات اصل فایده‌ی میانگین
۲۰۱	۲۹. برخی از دلایل عمده‌ی دو اصل عدالت
۲۰۹	۳۰. فایده‌گرایی کلاسیک، بی‌طرفی، و خیرخواهی
۲۱۷	<b>بخش دوم: نهادها</b>
۲۱۹	<b>فصل چهارم: آزادی برابر</b>
۲۱۹	۳۱. زنجیره‌ی چهار-مرحله‌ای
۲۲۵	۳۲. مفهوم آزادی
۲۲۸	۳۳. آزادی برابر در زمینه‌ی عقیده
۲۳۴	۳۴. مدارا و منفعت همگانی

۲۳۸	۳۵. مدارا با نامداران
۲۴۳	۳۶. عدالت سیاسی و قانون اساسی
۲۵۰	۳۷. محدودیت‌های اصل مشارکت
۲۵۶	۳۸. حاکمیت قانون
۲۶۴	۳۹. تعریف تقدم آزادی
۲۷۱	۴۰. تفسیر کانتی نظریه‌ی عدالت به مثابه‌ی انصاف
۲۷۸	<b>فصل پنجم: سهم‌های توزیعی</b>
۲۷۸	۴۱. مفهوم عدالت در اقتصاد سیاسی
۲۸۴	۴۲. اشاراتی در باب نظام‌های اقتصادی
۲۹۲	۴۳. نهادهای زمینه‌ای برای عدالت توزیعی
۳۰۱	۴۴. مسئله‌ی عدالت میان نسل‌ها
۳۰۹	۴۵. اولویت‌دهی به زمان
۳۱۳	۴۶. نمونه‌های دیگری از تقدم [عدالت]
۳۱۷	۴۷. دستورهای عدالت
۳۲۳	۴۸. انتظارات مشروع و استحقاق اخلاقی
۳۲۸	۴۹. مقایسه با برداشت‌های ترکیبی
۳۳۶	۵۰. اصل کمال
۳۴۳	<b>فصل ششم: تکلیف و وظیفه</b>
۳۴۳	۵۱. استدلال‌هایی در دفاع از اصول تکلیف طبیعی
۳۵۱	۵۲. استدلال‌هایی در دفاع از اصل انصاف
۳۵۸	۵۳. تکلیف تبعیت از قانون ناعادلانه
۳۶۳	۵۴. جایگاه قاعده‌ی اکثریت
۳۶۹	۵۵. تعریف نافرمانی مدنی
۳۷۳	۵۶. تعریف تمرد وجدان‌مندانه
۳۷۶	۵۷. توجیه نافرمانی مدنی
۳۸۱	۵۸. توجیه تمرد وجدان‌مندانه
۳۸۶	۵۹. نقش نافرمانی مدنی
۳۹۵	<b>بخش سوم: اهداف</b>
۳۹۷	<b>فصل هفتم: خیر به مثابه‌ی عقلانیت</b>
۳۹۷	۶۰. ضرورت ارائه‌ی نظریه‌ای در باب خیر
۴۰۱	۶۱. تعریف خیر برای موارد ساده
۴۰۵	۶۲. اشاره‌ای در باب معنا

۶۳. تعریف خیر برای برنامه‌های زندگی ..... ۴۰۸  
 ۶۴. عقلانیت سنجش‌گرانه ..... ۴۱۶  
 ۶۵. اصل ارسطویی ..... ۴۲۴  
 ۶۶. تعریف خیر در مورد اشخاص ..... ۴۳۱  
 ۶۷. عزت نفس، کمالات، و شرم ..... ۴۳۷  
 ۶۸. چند تقابل میان حق و خیر ..... ۴۴۳

**فصل هشتم: حس عدالت**

۶۹. مفهوم جامعه‌ی به‌سامان ..... ۴۴۹  
 ۷۰. اخلاق مرجعیت‌محور ..... ۴۵۶  
 ۷۱. اخلاق جماعت‌محور ..... ۴۶۰  
 ۷۲. اخلاق اصول‌محور ..... ۴۶۵  
 ۷۳. ویژگی‌های احساسات اخلاقی ..... ۴۷۱  
 ۷۴. ارتباط میان نگرش‌های اخلاقی و نگرش‌های طبیعی ..... ۴۷۷  
 ۷۵. اصول روان‌شناسی اخلاقی ..... ۴۸۱  
 ۷۶. مسئله‌ی پایایی نسبی ..... ۴۸۷  
 ۷۷. مبنای برابری ..... ۴۹۳

**فصل نهم: خیر-بودگی [خوبی] عدالت**

۷۸. خود-آیینی و عینیت ..... ۵۰۲  
 ۷۹. ایده‌ی اتحادیه‌ی اجتماعی ..... ۵۰۸  
 ۸۰. مسئله‌ی حسادت ..... ۵۱۶  
 ۸۱. حسادت و برابری ..... ۵۲۱  
 ۸۲. دلایل تقدم آزادی ..... ۵۲۷  
 ۸۳. خوش‌بختی و هدف‌های غالب ..... ۵۳۳  
 ۸۴. لذت‌گرایی به مثابه‌ی روشی برای انتخاب ..... ۵۳۹  
 ۸۵. وحدت خود ..... ۵۴۴  
 ۸۶. خیر-بودگی [خوبی] حس عدالت ..... ۵۵۰  
 ۸۷. نکات پایانی در باب توجیه ..... ۵۶۰

**یادداشت‌ها**

واژه‌نامه‌ی انگلیسی به فارسی

واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی

نمایه

۵۷۱  
 ۶۲۹  
 ۶۳۴  
 ۶۳۹

**مقدمه‌ی مترجم**

جان‌اتان ولف گفته است: «هرچند بر سر این نکته اختلاف هست که در میان فیلسوفان سیاسی سده‌ی بیستم رتبه‌ی دوم از آن کیست، همه یک‌صدا اذعان دارند که رتبه‌ی نخست براننده‌ی کسی نیست جز جان رالز». (به نقل از Gordon, 2008:1) رالز این شهرت و اعتبار را مرهون نگارش مهم‌ترین اثر سیاسی سده‌ی بیستم، *نظریه‌ای در باب عدالت* (زین‌پس *نظریه*)، است که به اذعان هواداران و منتقدان‌اش جانی تازه در فلسفه‌ی سیاسی دمید و بسیاری از فیلسوفان، اقتصاددانان، حقوق‌دانان، و دانشمندان علوم سیاسی را برانگیخت تا پا به میدان گذاشته در موافقت یا مخالفت با آن سخن گویند و بدین طریق بر اهمیت و برجستگی‌اش بیافزایند. به گفته‌ی یکی از مفسران او، ساموئل فریمن، تا سال ۲۰۰۳، این اثر به ۲۷ زبان ترجمه شده و بیش از ۲۵۰۰ مقاله درباره‌ی آن به ثبت رسیده است. (نک Freeman, 2003:1) مهم‌ترین کارهای بعدی رالز، *لیبرالیسم سیاسی، قانون ملل، و عدالت به مثابه‌ی انصاف*، که همه آثاری اثرگذار در زمینه‌ی فلسفه‌ی سیاسی و اخلاقی بوده‌اند، نیز پیوندهایی ناگسستی با شاهکار او، *نظریه*، دارند و به قصد تکمیل یا تنقیح آن نگاشته شده‌اند.

**۱. کودکی و نوجوانی: بی‌عدالتی در درون مرزها**

جان (جک) بوردلی رالز<sup>۱</sup> در ۲۱ فوریه‌ی ۱۹۲۱ در بالتیمور به دنیا آمد. او دومین فرزند از ۵ فرزند ویلیام لی رالز<sup>۲</sup> (۱۹۴۶ - ۱۸۸۳) و آنا ابل استامپ<sup>۳</sup> (۱۹۵۴ - ۱۸۹۲) بود. به گفته‌ی توماس پوگه (نک Pogge, 2007:5)، مهم‌ترین رخدادهای دوران کودکی جک مرگ دو برادر جوان‌ترش بود که هر دو به سبب گرفتن بیماری از وی در عتقوان کودکی جان خود را از دست دادند. نخستین تراژدی در ۱۹۲۸ رخ داد، زمانی که جک به علت بیماری‌ای که ماهیت‌اش ابتدا برای خانواده ناشناخته بود

1. John (Jack) Bordley Rawls  
 2. William Lee Rawls  
 3. Anna Abell Stump

در قرنطینه به سر می‌برد. هر چند برادر کوچک‌تر، رابرت لی<sup>۱</sup> از نزدیکی و تماس با جک منع شده بود، چندین بار قرق را شکست تا برادر را از تنهایی در آورد، و بدین طریق آلوده و بیمار شد. پزشک خانوادگی آن‌ها در تشخیص بیماری دچار اشتباه شد و تا بفهند که هر دو کودک مبتلا به دیفتری شده‌اند رابرت از شدت تب جان باخت. مرگ رابرت بر جک بسیار گران آمد، تا آن‌جا که مادرش لکنِت زبانِ رالز را به این واقعه نسبت می‌داد، ضعیفی که تا دورانِ بزرگسالی و پیری هم گریبان او را رها نکرد. جک از آن بیماری جان سالم به در برد اما در زمستانِ سالِ بعد سینه‌پهلوی شدیدی گرفت و برادر کوچک‌تر خود تامس همیلتون<sup>۲</sup> را نیز مبتلا کرد. تراژدی دیگریار تکرار شد و هر چند جک آرام آرام سلامتِ خود را بازیافت، برادر کوچک‌تر در فوریه‌ی ۱۹۲۹ در اثر این بیماری از دست رفت.

حس عدالت‌خواهی جک در همان کودکی با دیدن تبعیض‌های اعمال‌شده در حق سیاهان برانگیخته شد. سیاهان با وجود این که ۴۰ درصد از جمعیتِ بالتیمور را تشکیل می‌دادند در شرایط ناگواری به سر می‌بردند و کودکان‌شان به اجبار در مدارس جداگانه تحصیل می‌کردند. تبعیض‌ها و نابرابری‌های جامعه‌ی او منحصر به سیاهان نبود؛ خانواده‌ی رالز برای گریز از تابستان‌های شرعی بالتیمور تعطیلات را در ایالتِ مین، در خانه‌ی بیلاقی‌شان در نزدیکی بلو هیل<sup>۳</sup>، می‌گذراند. در آن جا جک برای نخستین بار سفیدپوستان فقیر، یا به اصطلاح «بومیان»<sup>۴</sup>، را دید که کارشان سرایداری برای ساکنان بیلاقی آن جا بود. او در آن جا با برخی بومیان هم‌بازی شد و دید که امکانات آموزشی و دورنمای موفقیت ایشان در زندگی در آن روستای کوچک فقرزده چه قدر با امکانات و دورنمای موفقیت او فاصله دارد. این تجربه‌های کودکی حس عدالت‌خواهی را در او بیدار کرد و به او نشان داد که بسیاری از بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها از بدقابالی و نا-بختیاری انسان‌ها ناشی می‌شوند، مضمونی که در نظریه و آثار دیگر او حضور پررنگ دارد:

اصل فرصت‌های منصفانه را — دست کم تا زمانی که شکلی از خانواده وجود دارد — تنها به طور ناقص می‌توان محقق کرد. این که استعدادهای فطری تا چه اندازه پرورش می‌یابند و به بار می‌نشینند متأثر از انواع شرایط اجتماعی و نگرش‌های طبقاتی افراد است. حتا اشتیاق هرکس به سعی و تلاش و در پی آن رسیدن به استحقاق، به معنای روزمره‌ی کلمه، نیز وابسته به داشتن خانواده‌ای خوش‌بخت و مهیا بودن شرایط اجتماعی است. تضمین بخت‌های برابر برای رسیدن به شکوفایی و موفقیت برای کسانی که استعدادها و یکسانی دارند در عمل امکان‌پذیر نیست؛ از این رو بعید نیست بخواهیم اصلی را برگزینیم که این واقعیت را بازشناسد و تأثیرات خودسرانه‌ی بخت‌آزمایی طبیعت [در اعطای استعدادها و نابرابر به افراد] را نیز کاهش دهد (Rawls, 1999a:64)

«رالز خود از چنگ بیماری‌هایی جان سالم به در برده بود که دو برادرش را از پای در آورد و

1. Robert Lee
2. Thomas Hamilton
3. Blue Hill

از امکانات مادی و آموزشی‌ای بهره می‌برد که از سر استحقاق به دست‌شان نیآورده بود. (بعدها، او دوران سربازی خود را نیز در جنگ جهانی دوم از سر گذارند بی آن که زخم‌چندانی بردارد، و در حرفه‌ای که به اختیار خود انتخاب کرد نیز بخت کاملاً با او یار بود.)» (Pogge, 2007:7)

## ۲. دوران کالج و سربازی: بی‌عدالتی در بیرون مرزها

جان رالز پس از گذراندن دوران آموزش ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۹۳۹، هم‌چون برادر بزرگ‌تر، ویلیام استو<sup>۱</sup>، و برادر کوچک‌تر، ریچارد هاوولند<sup>۲</sup>، به دانشگاه پرینستون رفت. نخستین ترم تحصیلی او در پرینستون مصادف شد با حمله‌ی آلمان به لهستان. رالز ابتدا در انتخاب رشته‌ی اصلی خود میان شیمی، ریاضیات، و تاریخ هنر مردد بود اما در این هر سه استعداد کافی یا علاقه‌ی چندانی در خود نمی‌دید و سرانجام فلسفه را به عنوان رشته‌ی اصلی خود برگزید. نخستین آموزگاران او در فلسفه والتر تی. استیس، دیوید باورز، و نورمن ملکولم بودند. در سال دوم کالج، او با استیس درسی در فلسفه‌ی اخلاق گذراند که در آن مبنای مابعدالطبیعه‌ی اخلاق کانت، فایده‌گرایی جان استوارت میل، و مفهوم اخلاق اثر خود استیس تدریس می‌شد. اما رالز بیش از همه از ملکوم تأثیر پذیرفت که ده سالی از او بزرگ‌تر بود. ملکولم پس از گذراندن دوره‌ی مطالعاتی در کمبریج که در آن با ویتگنشتاین همکاری می‌کرد به هاروارد بازگشته بود تا رساله‌اش را زیر نظر سی. آی. لوئیس به پایان برساند. به سفارش لوئیس، پیش‌تر کرسی‌ای در پرینستون به او پیشنهاد داده بودند. اما پس از مخالفت علنی ملکولم با مکتب فنومالیسم که لوئیس هوادار و مبلغ آن در آمریکا بود، وی سفارش خود را پس گرفت. با این وجود، دانشگاه پرینستون که نسبت به ملکولم احساس دین می‌کرد، پیشنهاد خود را محفوظ داشت، و بدین طریق ملکولم فرصت یافت تا یکی از اثرگذارترین آموزگاران رالز در دوران تحصیل او باشد.

به خاطر وقایع جنگ جهانی دوم یک ترم ویژه در تابستان ۱۹۴۲ برگزار شد، و رالز لیسانس خود را یک ترم زودتر از موعد مقرر، در ژانویه‌ی ۱۹۴۳، دریافت کرد. در فوریه‌ی همان سال به ارتش پیوست و پس از گذراندن دوره‌ی آموزش پیاده‌نظام، در یگان دیده‌بانی آموزش دید. سپس برای دو سال به منطقه‌ی اقیانوس آرام اعزام شد، در فیلیپین خدمت کرد و چهار ماه را در میان نیروهای اشغال‌کننده‌ی ژاپن گذراند، جایی که قطار نظامی آنان از میان ویرانه‌های شهر هیروشیما می‌گذشت. از آن جا که کار وی در ارتش عمدتاً دیده‌بانی و شناسایی موقعیت دشمن در میان جوخه‌های هفت-هشت نفره بود، نبرد چندانی را تجربه نکرد مگر یک بار که به‌سختی از کمین ژاپنی‌ها جان به در برد. او فرصت افسری در پایان جنگ را با بی‌میلی کنار زد زیرا نمی‌خواست بیش از دوران ضرورت در آن چه که به قول خودش یک «نهادشوم» بود باقی بماند. بنابراین در

1. William Stowe
2. Richard Howland